گوردخمه‌ها در دوران مادها

دکتر غلامعلی حاتم

چکیده

گوردخمه به آرامگاه‌های سنگی گفته می‌شود که از سنگ و عمدتاً در سینه کوه بر صخره تراشیده می‌شده است. اکثر این گوردخمه‌ها منسوب به دوران ماد می‌باشند، زیرا،هیچ دخمه یا آرامگاهی پیش از قوم ماد در ایران که در دل کوه کنده شده باشد، تا این تاریخ شناخته نشده است. وجود نقش برجسته‌ها در بعضی از دخمه‌ها و دور ازدسترس بودن آنها، و جایگاه رفیع و خاص آنها در بلندای کوه و صخره شاید یکی از دلایلی است، که همیشه مورد احترام و بعضی از باورها قرار گرفته‌اند. نماسازی این‌دخمه‌ها هم نشانه‌هایی از روش کار و سبک معماری این دوران نیز می‌باشند، وجود یک در ورودی و داشتن ستون و ستونچه‌هایی در دو طرف در، نمایی زیبا از معماری‌این زمان را نشان می‌دهد که برای شناخت و تحقیق و بررسی معماری هزارهٔ اول پیش از میلاد ایران قابل توجه است.

گوردخمه‌ها در دوران مادها

تاریخ تراشیدن و کندن صخره‌های سنگی و ایجاد دخمه و پناهگاهی در دل کوه، در بعضی از اقوام کهن قدمتی دراز دارد. انسان دوران کهن با کندن صخره‌های طبیعی دردامنه کوه‌ها و ایجاد حفره‌ها از یک فضای کوچک محدود به تدریج به فضای بزرگی می‌رسد و از آن به عنوان خانه یا آرامگاه استفاده می‌کند. این مبارزه انسان باصخره‌های سنگی را معماری صخره‌ای و یا دخمه‌ای می‌نامند.

این حجاری‌ها خود، کاربرد این نوع معماری‌ها را برای ما روشن می‌کنند.

گوردخمه فخریکا در نزدیکی مهاباد استان آذربایجان غربی

«با توجه به ساختار این معماری و ویژگی‌های آن، می‌توان آنها را به عنوان یک مجموعهٔ تاریخی مورد مطالعه قرار داد، زیرا که ایجاد این نوع حجاری نه تنها از نظر تاریخ‌هنر و باستان‌شناسی، بلکه برای شناخت تاریخ تمدن، تاریخ ادیان و روابط فرهنگی بین اقوامی که دارای این معماری هستند، شایان توجه است. این معماری‌های‌صخره‌ای در بازسازی تاریخ تمدن ملت‌ها نقش بزرگی را دارا می‌باشند و در حقیقت بشر از نظر تاریخ فرهنگ خود، به معماری و نقوش برجسته صخره‌ای در بعضی ازادوار تاریخی مدیون است. هم‌چنان که اگر در ایران، معماری و نقش برجسته‌های صخره‌ای با ویژگی‌های اولیه خود موجود نبود، یقیناً تاریخ هنر و شناخت بعضی ازجنبه‌های معتقدات دینی گذشتگان بر ما چندان معلوم و روشن نمی‌گردید. علاوه بر اینها اهمیت دفاعی معماری صخره‌ای در مقابل حوادث و عوامل طبیعی نیز غیر قابل‌انکار می‌باشد.»[1]

همان‌طوری که ذکر شد، گوردخمه‌ها در دامنه کوه‌ها و در صخره‌های طبیعی ایجاد شده‌اند و سنگ مصالح اصلی و کالبد آن نیز می‌باشد. به احتمال زیاد ایجاد این نوع‌معماری در دل کوه همانا پایداری و قداست کوه نیز بوده است.

گوردخمه‌ها دردوران ماد

زیرا که در بعضی از فرهنگ‌های باستان کوه مظهری مقدس و جایگاه رب‌النوع‌ها و مکانی امن برای برگزاری مراسم آئینی و نیایش بوده است. در این فرهنگ‌ها، کوه به‌عنوان اولین مخلوق خداوندگار که سر از آب بیرون آورده مورد احترام بوده و «نقش مهمی در اعتقادات، باورها برای نزدیکی به نیروهای ماوراءالطبیعه داشته است.گذشتگان معتقد بودند که

رب‌النوع‌ها در آسمان‌ها قرار دارند، بنابر این اگر معابد و پرستشگاه و گورهای آنان در بالا و در دل کوه باشد، به رب‌النوع‌ها نزدیک‌تر خواهدبود.»[۲]

برای مثال کوه بیستون در ۳۰ کیلومتری کرمانشاه نمونه‌ای از این اعتقادات و فرهنگ می‌تواند باشد. جغرافی‌نویسان متقدم بیستون را به صورت‌های «بهستان»، «بهستون»آورده‌اند و برخی از تاریخ‌نگاران بغستان را مأخوذ از بغ نگاشته و آن را جایگاهی برای پرستش خدایان دانسته‌اند.»[۳] همچنین شکل ساختمان زیگورات‌ها و فرم اهرام ومعماری آنها می‌توانند تأکیدی باشند بر عنصر و نماد کوه در عقاید گذشتگان. شاید اینها دلایلی باشند برای انگیزهٔ ایجاد این نوع معماری که در هر دوره و زمانی درتمدن‌های مختلف به وجود آمده‌اند.

رومان گیرشمن در این باره می‌گوید:

«تقریباً مسلم است که این آرامگاه‌ها و یا دخمه‌ها از سلاطین «مادی» بوده است با این حال نمی‌توان هر یک از آنها را به پادشاه بخصوصی نسبت داد. این آرامگاه‌هااحتمالاً متعلق به نیمه دوم قرن هشتم تا نیمهٔ اواخر قرن هفتم پیش از میلاد و برخی هم تصور کرده‌اند که از آرامگاه‌های آسیای صغیر یا اورارتوها تقلید شده‌اند و ممکن‌است این فرض صحیح باشد.»[۴] زیرا که اورارتوها از اطاق‌ها یا دخمه‌های صخره‌ای به عنوان آرامگاه و یا به عنوان زیرزمین استفاده می‌کردند. در شهر وان آثار این‌گونه‌دخمه‌ها که در دل سنگ ایجاد شده و متعلق به پادشاهان اورارتوئی هستند و همچنین در دوران فریگ‌ها و یا فریژها، این نوع آرامگاه‌های سنگی در ترکیه کنونی هنوزباقی است.[۵]

«به هر حال هیچ دخمه یا آرامگاه کنده شده در میان کوه که پیش از زمان ورود «مادها» به فلات باشد تا این تاریخ شناخته نشده است.»[۶]

ارنست هرتسفلد کامل‌ترین فهرست مقابر دورهٔ ماد یعنی دخمه‌ها را در اختیار ما گذاشته است. این دخمه‌ها تصویر ناقصی از هنر و بخصوص معماری آن زمان را به‌دست می‌دهند. احتمالاً این مقابر صخره‌ای تقلیدی از خانه‌های مسکونی می‌باشد. بیشتر این مقابر از یک یا چند اطاق داخلی و جلوخان و رواق ایوان که بر ستون‌هااستوار است مرکب می‌باشند.[۷] این دخمه‌ها که از نظم وضع ستون‌ها و نماسازی قابل توجه می‌باشند نمایندهٔ معماری قرن هفتم، پیش از میلاد ایرانند.[۸] با این حال‌هیچ‌یک از این آرامگاه‌های بریده شده در صخره با اطمینان تاریخ‌گذاری نگردیده‌اند و شاید آنها به دوران هخامنشی و حتی جدیدتر تعلق داشته باشند.[۹]

اما با توجه به ساخت بعضی از این دخمه‌ها که شرح آنها در پی‌خواهد آمد، و با نگرشی به نقش نمای این دخمه‌ها، یا آرامگاه‌ها می‌توان تا اندازه‌ای به شکل ساختمان‌های‌آن زمان پی‌برد. «نمای آنها بیشتر به منزلهٔ در ورودی آنها محسوب می‌شوند و سقف آنها روی ستونی قرار گرفته است. نماها، شباهت زیادی به ایوانی دارد که در تابستان‌ایجاد سایه می‌نماید و مانع ورود آفتاب به درون ساختمان می‌گردد، و در زمستان برعکس نور خورشید به علت تابش متمایل خود، وارد ساختمان می‌شود و این ایوان به‌صورت پناهگاهی برای جلوگیری از برف و باران است. کاخ تخت‌جمشید نیز از روی همین اصل ساخته شده‌اند و این اصل حتی امروز هم در ساختمان‌های ایران رعایت‌می‌شود.»[۱۰]

ضمناً برای شناخت و مطالعه ساختمان‌های ستون‌دار در ایران بعد از دژ حسنلو در آذربایجان

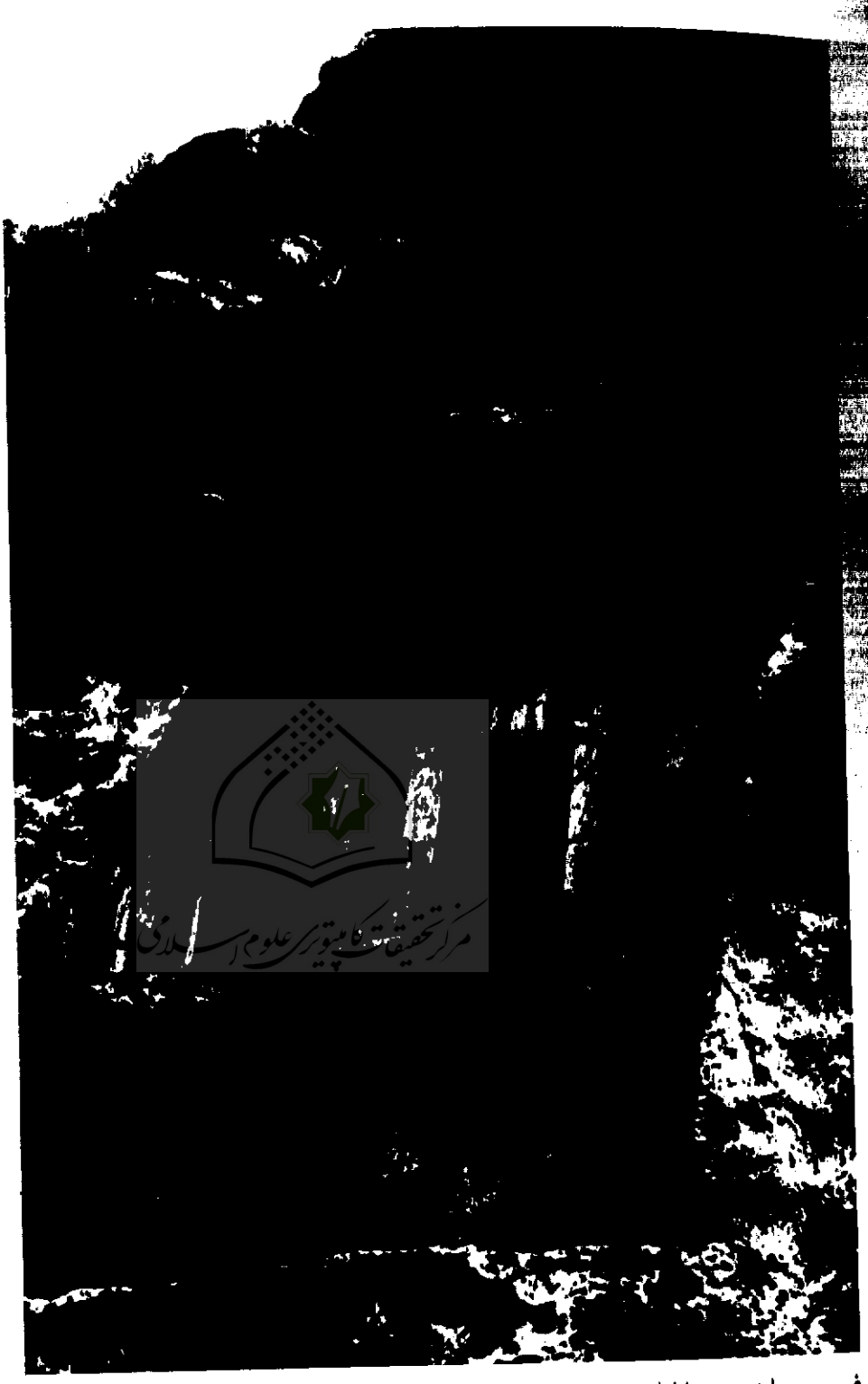

گوردخمه دائو دختردر
ممسنی (استان فارس)

غربی می‌باید به سراغ این دخمه‌های کنده شده در کوه برویم. چرا که نمای‌خارجی و طرح داخلی آنها سند معتبری برای شناخت این‌گونه معماری در ایران زمین است. «و آن‌چه از نظر تاریخ معماری ایران در این دخمه‌ها اهمیت دارد آن است که‌این آثار با آن که در کوه تراشیده شده است بارزترین مدرک برای شناخت معماری چوبی در کشور ما محسوب می‌گردد. زیرا با آن‌که بناهای چوبی آن زمان تا روزگار ما به‌جای نمانده است ولی تمام ریزه‌کاری‌های

ساختمانی که در آنها از الوارهای تراشیده در چوب و قفل و بست آنها به یکدیگر استفاده می‌شده به دقت در این دخمه‌ها به‌وسیله تراش در سنگ نمایش داده شده است. از آن مهم‌تر موضوع سر ستون‌هایی است که به ویژه بر نمای خارجی دخمه دائو دختر واقع در ممسنی بر روی ستون‌های‌تراشیده در صخره با روشنی تمام نمودار گردیده است. هرتسفلد با توجه به سر ستون‌هایی که بر نمای دخمه بالا و همچنین بر روی مقبرهٔ مادی قیزقاپان نموده شده است‌نتیجه‌گیری می‌نماید که در این قسمت شیوهٔ معماری ایونی که یکی از سه مکتب مهم معماری یونانی است از معماری ایرانی الهام گرفته است. این مطلب یکی ازمهم‌ترین نکات مورد بحث در معماری ایرانی است و باید مورد توجه آنان که بدون ژرف‌نگری نمایش‌های گوناگون همین نوع سرستون را در دوره‌های مختلف تاریخ هنرایران یک نوع میراث یونانی می‌دانند قرار گیرد.[11]

این گور دخمه‌ها که در شمال غربی ایران و آذربایجان و سلیمانیه عراق شناسایی شده‌اند و منسوب به دوره مادها هستند بر حسب نوع نمای ورودی این‌گونه می‌توان آن‌هارا تقسیم‌بندی کرد:

گوردخمه‌هایی که در نمای ورودی آنها ستون‌هایی آزاد نمایان است مثل گوردخمهٔ فخریکا در نزدیکی مهاباد و مقبره دکان داود در نزدیکی سر پل ذهاب، و شیرین وفرهاد در سراب صحنه گوردخمه‌هایی که در دو طرف نمای ورودی آنها دو نیم ستون در کوه کنده شده است. عبارتند از: مقبره قیزقاپان در سلیمانیه عراق و مقبرهٔ دائودختر در نزدیکی فهلیان فارس.

گوردخمه‌های ساده که در نمای ورودی آنها ستون و یا نیم ستون ساخته نشده است. مثل دخمه اسحاق وند و سکاوند در نزدیکی هرسین که ورودی آنها به شکل‌مستطیل و یا مربع می‌باشند.[12]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

گوردخمه فخریکا

این اثر تاریخی حدود ۱۰ کیلومتری شمال شرقی مهاباد در سر راه مهاباد به میاندوآب بر فراز کوهستانی در جنوب دریاچه ارومیه نزدیک قره قوم واقع شده است. دخمه‌ایوان جلو ندارد و سقف سادهٔ سنگی آن را چند ستون نگاه می‌دارد و ظاهراً محلی بوده است، برای گذاشتن جنازه‌ها، تعیین تاریخ این مقبره دشوار است ولی تشریفات‌تدفین در آن تماماً با مراسمی که بیشتر در ناحیه اطراف دریاچهٔ ارومیه متداول بوده تفاوت دارد و نمی‌توان تاریخی قدیمی‌تر از قرن هفتم پیش از میلاد، برای آن قائل‌شد[13] در حالی که ارنست هرتسفلد تصور می‌کند که این آرامگاه یک شاهزادهٔ مادی از کشور «مانائی» است و تاریخ آن را بین ۸۴۰ و ۶۴۰ پیش از میلاد قرارمی‌دهد.[14] این دخمه شامل اطاقی است که دهانه آن تقریباً ۹ متر به طرف بیرون کوه گشاده بوده و درازی یا عمق آن به طرف کوهستان نزدیک به ۷ متر و بلندی تقریباً۳ متر است و چهار ستون سنگی از کف دخمه به سقف آن پیوسته است و پاستون‌ها به شکل مکعب و شبیه به گلدان وارونه حجاری شده‌اند. تمام دیوار و کف و سقف وستون اطاق را در دل کوه تراشیده‌اند، و در قسمت عقب، سه گودال مربع مستطیل محل سپردن اجساد مردگان را در سنگ کنده‌اند و جلو دخمه نیز سنگ کوهستان را به‌صورت منظم تراشیده هموار نموده‌اند.[15] از

نظر شکل ظاهری این دخمه با اصول معماری این دوره هماهنگی دارد و تنها اختلاف موجود در این مقبره نسبت به سایرمقابر صخره‌ای این است که دیوار انتهای ایوان دیده نمی‌شود، و از این ایوان تا انتهای مقبره حالت یک پارچگی به خود گرفته است. به اندازهٔ عرض ایوان، یک سالن نیزدر داخل مقبره به وجود آمده که با دو پله جرزدار از هم جدا می‌شوند. احتمالاً اطاق جلویی جهت انجام مراسم تدفین ایجاد گردیده است.[۱۶]

گوردخمهٔ دکان داود

در سه کیلومتری جنوب شرقی شهر سرپل ذهاب در استان کرمانشاه، بر سینهٔ کوه مقبره‌ای و یا دخمه‌ای به نام کل داود و یا دکان داود در صخره کنده شده است. این مقبره‌دارای ایوانی در جلو و مدخلی در وسط است و در دو طرف ورودی آن بقایای دو پاستون و دو سر ستون موجود است. پاستون‌ها برخلاف مقبره شیرین و فرهاد درصحنه، که ناقوسی شکل می‌باشند، خیلی ساده و به صورت مربع تراشیده شده‌اند.[۱۷]

در حال حاضر تنها بخش‌های فوقانی و پایینی این ستون‌ها دیده می‌شود. در اطراف قاب ورودی تزییناتی شیاری قرار دارد، که «در نمای بالایی مدخل به شکل سه جلوآمدگی در روی هم و محیط یکی بر دیگری به مانند یک قرنیس مرکب و موازی»[۱۸] تزئین شده است. در اطاق دخمه که به شکل مستطیل است، بخشی از کف درسمت چپ برای گذاشتن جسد شبیه به تابوت حفره‌ای کنده شده و بیانگر این می‌تواند باشد که این گوردخمه به یک نفر تعلق داشته است. در دیواره‌های جانبی این اطاق‌طاقچه‌های کوچکی در صخره تراشیده‌اند که احتمالاً جای نگهداری نذورات و هدایا بوده است. آرامگاه رو به پایین صخره کاملاً تراشیده شده و ظاهراً هدف این کار ازبین بردن امکان دسترسی ورود به داخل گوردخمه بوده است.[۱۹]

در پایین نمای آرامگاه و یا در زیر این دخمه به فاصلهٔ ۵ متری، تصویر مردی بر سنگ حجاری شده، در این نقش یک شخص روحانی یا یک پرستنده، تاج ایرانی بر سردارد و لباس او لباس ایلامی قدیم است و «به رسمی»[۲۰] در دست دارد.

این قبر احتمالاً متعلق به دوران ماد است.[۲۱] طرز ایستادن مرد که دست‌ها را رو به مشرق گرفته و در دست داشتن «برسم» و همین بلند نگهداشتن دست راستش به‌علامت احترام، نشان می‌دهد که مرد در حال عبادت است. مرد عبادت کننده کلاه خاصی بر سر دارد که گوشبندهای آن تا روی دهانش ادامه دارد. برخی از دانشمندان‌دکان داود را قبر استیاگ پادشاه مادی معرفی کرده‌اند و احتمال داده‌اند که در مقابل نقش برجستهٔ آن تصویر قربانی کننده‌ای باید باشد که یا کشیده نشده و یا کشیده شده وسپس سترده شده است.[۲۲]

رمان گیرشمن از میان دو فرض-که شخص اخیر صاحب آرامگاه بوده یا یک مؤید، فرض اول را صحیح‌تر دانسته و اشاره‌ای به لباس و عنصر دیگر موجود در نقش ندارد وفقط متذکر می‌شود که وی خصوصیات قومی خود را دارد.[۲۳] اما دیاکونف که دربارهٔ تاریخ ماد سخن می‌گوید و این دوره از تاریخ ایران را بیش از دیگران مورد مطالعه‌قرار داده دربارهٔ دخمه داود و نقش برجسته آن چنین می‌گوید.

گوردخمه‌ها دردوران ماد

«مقبرهٔ «دکان داود» نیز ساختمان همانندی داشته، در نقش برجسته مدخل مقبره فقط مُغ دیده

گوردخمه‌های اسحاق‌وند (سکاوند) در نزدیکی هرسین (استان کرمانشاه)

می‌شود: پیراهن بلند ایلامی که تا قوزک پایش را پوشانده دربر و دسته‌ای ازشاخه‌های مقدس به دست دارد. در این تصویر، اگر لباس ایلامی را به حساب نیاوریم با تصاویر مُغان که با صفحات طلا کنده شده به شکل مجسمه‌های کوچک ساخته‌شده است مشابهت کامل دارد.[۲۴]

این دخمه با مشخصات خاص خود، امروز در میان اهل محل به دکان داود شهرت یافته است و از مکان‌هایی است که نزد طوایف اهل حق متبرک شمرده شده و دراوقات مخصوص در آنجا اجتماع می‌نمایند.[۲۵]

گوردخمه‌های صحنه:

در سراب صحنه (۶۰ کیلومتری کرمانشاه) در منطقه خوش آب و هوای دربند، دو گوردخمه به فاصله کوتاهی از یکدیگر بر سینه کوهی در شمال شهر حجاری شده‌اند.جهت گوردخمه‌ها متفاوت بوده و هر دو بر دره‌ای عمیق و رودخانه پرآبی که از میان دره می‌گذرد مشرف‌اند.

این دخمه‌ها به نام‌های مقبره کیکاوس و یا کوچک و شیرین و فرهاد جلب توجه می‌کنند. جهت گوردخمه کوچک رو به شرق و تراش‌های آن نسبتاً ساده و عمیق آن۱/۶۵ متر و ارتفاع کف‌ها بلندترین نقطه سقف ۱/۱۰ متر است. طول اصلی گوردخمه نیز به ۲/۵ متر می‌رسد. کف گوردخمه ۵ سانتی‌متر پائین‌تر از لبه دهانه ورودی قراردارد.

گوردخمه بزرگ به قول اهل محل و هم‌چنین آقای هرتسفلد که آن را، قبر شیرین و فرهاد می‌نامند، ورودی و یا دهانه آن رو به سمت جنوب، و فاصله آن تا کف جاده‌ای که‌در کنار پرتگاه کشیده شده بیش از ۱۰ متر و در ارتفاع ۵۰ متری از سطح رودخانه می‌باشد.

درگاه دخمه به ابعاد ۳ متر در ۶ متر و عمقی برابر ۱/۵ متر خودنمایی می‌کند:[۲۶]

آثار دو ستون شکسته شده که از سنگ تراشیده در دو طرف ورودی قرار دارد. بر سر در شمالی بالای ورودی نشانه‌هایی از نقش یک قرص خورشید بالدار دیده می‌شود.

در داخل گور دخمه، بعد از ایوان دو ستونی، دهلیزی و یا اطاقی ایجاد شده که دارای دو طاقچه می‌باشد و در طرفین آن دو سکوی سنگی قرار دارد که برای گذاشتن جسدمردگان بوده است. در بین این دو سکوی تابوت مانند، یک گودی چهارگوش در کف ایجاد شده که از آن به اطاق اصلی دخمه راه دارد.

در داخل این اطاق هم سکویی مستطیل شکل قرار دارد که احتمالاً جسد شاه یا شخص مهم دیگری را در آن می‌گذاشتند.

طاق شیروانی شکل اطاق زرین و ته ستون‌های ناقوسی شکل این دخمه دو عاملی هستند که بعدها در دوره هخامنشیان تکرار شده‌اند.[۲۷] در بین گوردخمه‌هایی که‌تاکنون در کشورمان شناسایی شده‌اند این تنها گوردخمه‌ای است که دارای دو طبقه می‌باشد.

دیاکونف دربارهٔ این دخمه و پلان آن می‌گوید «طرح داخلی آرامگاه که از لحاظ ساختمانی عجیب و پیچ در پیچ است تقلیدی است از مسکن چهار دیوار. و نمای بیرون آن‌شباهت نسبی به دخمه فقرگاه دارد و تاریخ آن نیز همزمان با دخمه نامبرده است. صفحهٔ بالدار خورشید منقوش برفراز ورودی نشانهٔ ایزد روشنایی که در شرق باستان‌بسیار رایج بوده است. اما پارسیان هیکل انسانی را نیز در چنین صفحهٔ مدور نقش می‌کردند که مظهر اهورامزدا بوده است.[۲۸] این نقش خود نیز شباهت و ارتباط تمدن‌و معتقدات ایرانیان دوران‌های ماد و هخامنشی را معلوم می‌نماید.[۲۹]

دخمه قیزقاپان

این دخمه یکی از جالب‌ترین آرامگاه‌های دوران ماد به شمار می‌آید که در آن سوی مرز ایران در دهکدهٔ سورداشی نزدیک سلیمانیه در کردستان عراق واقع شده‌است.[۳۰]

حدس زده می‌شود که دخمهٔ قیزقاپان قبر هوخشتره (کیاکسار) پادشاه ماد باشد.[۳۱]

سطح بیرونی دخمه تقریباً دارای ۷ متر طول و ۲/۹۰ متر عرض و ۴/۱۰ متر ارتفاع دارد که به صورت یک سطح ستون‌دار در صخره تراشیده شده است.

نمای ورودی آن به وسیلهٔ دو نیم ستون عمومی به سه قسمت تقسیم می‌شود، تاریخ تقریبی آرامگاه به وسیلهٔ تزیین معماری آن پیشنهاد گردیده است. یک ایوان عمیق‌درون صخره بریده شده که دارای ستون‌هایی است. سر ستون‌ها در پیچک‌های دو طرف شبیه به سر ستون ایونی

هستند. شکل این سر ستون‌ها و تزیینی نخل خرمایی‌آنها تاریخی پس از قرن ششم پیش از میلاد را بیش از هر تاریخ قدیمی‌تری پیشنهاد می‌کند. در حالی که این آرامگاه احتمالاً برای یک مادی ساخته. تاریخ آن بدین ترتیب به‌زمان هخامنشی می‌رسد.»[۳۲] گیرشمن در شرح معماری این دخمه این گونه می‌گوید. به‌طور کلی آرامگاه قیزقاپان یا (ربایندهٔ دختر) به آرامگاه‌های مادی شبیه است. بااین حال با آنها اختلافی دارد، و آن این است که سقف این آرامگاه، که در سنگ کوه تراشیده شده تقلیدی از سقف ساختمان‌های چوبی است. بنابراین، این آرامگاه اقتباسی‌از آرامگاه‌های «سکایی»[۳۳] است، که از چوب ساخته می‌شد، و از روسیهٔ جنوبی تا ماورای قفقاز به تعداد زیادی دیده شده است، و اضافه می‌کند که ترکیب«مادوسکائی» در تزیینات این آرامگاه نیز مشاهده می‌گردد. و دیاکونف، ساختمان این مقبره را شبیه به مقبرهٔ صحنه و تقلیدی از یک خانه‌ای که با سقف بزرگ پیش آمده،ستون‌ها به جزرهای ستون‌نما تبدیل یافته و سقف تقلید از پوششی است که از تنهٔ درختان تهیه شده باشد، می‌داند. در فاصله سر ستون‌ها و بالای نیمه ستون‌ها که مقابل‌در ورودی آرامگاه قرار گرفته است، سه قرص دیده می‌شود. بدین قرار صفحهٔ مدوری با هیکلی چهاربال، و صفحهٔ مدور دیگری که هیکل آدمی بر آن منقوش است وهلالی زیر آن دیده می‌شود و صفحه مدور دیگری که ستاره‌ای بر آن نقش است. مظهر اخیر در شرق باستان خاص ایشتار می‌باشد ولی اینها شاید مظهر آناهیتا باشد. و دوتای دیگر به معنی خورشید و ماه باشند.[۳۴] شاید این نقوش برجسته مظاهر خدایان و نشانه‌هایی از «اهورمزدا» و میترا و آناهیتا، یا نشانه‌هایی «اهورمزدا» و «ماه» و«آناهیتا»» باشند.[۳۵]

بلافاصله بالای مدخل این آرامگاه نقش دو مرد کمان به دست در حال ایستاده مجسم گردیده‌اند، و در میان آنها آتشدانی است. آتشدان از سه پله شکل گرفته و در روی‌قطعه سنگ بالایی آتشدان یک نیمکره به قطر ۵/۵ سانتی‌متر نشان داده شده است. بلندی آتشدان کوچک‌تر از جثهٔ مردان و در حدود ۱/۳ متر است این یکی ازجالب‌ترین تصویر آتشدانی است که از دورهٔ ماد باقی مانده است. کمان مردان شبیه به کمان‌های اقوام «سکاها» است، به گفتهٔ هردوت مورخ یونانی تیراندازی در میان‌مادها از سکاها اقتباس شده است. کلاه این دو مرد شبیه به یکدیگر است ولی مرد طرف چپ لباده‌ای که احتمالاً از جنس نمد است بر دوش دارد، که آستین‌هایش آویزان‌است، و نظیر لباده‌هایی است که امروز دهقانان و چوپانان در ایران به کار می‌برند. در میان ایرانیان این‌طور رسم بود که کمان را علامت نیروی پادشاهی می‌دانستند. بنابراین ممکن است در این نقش پادشاهی را همراه جانشینش نشان داده باشند.[۳۶]

آقای دیاکونف، در وصف صحنهٔ نیایش در مقابل آتشدان این گونهٔ عنوان می‌کند «کاهن سمت چپ لباس مغان را به تن دارد. روی ملبوس معمولی ماد شرقی جبه مانندی‌که آستین‌های خالی‌اش آویزان است پوشیده است.

باشلق مانند «پتی دان» بر سر و پارچه یا نواری بر صورت دارد، لباس شاه که سمت راست ایستاده مانند لباس مغ واضح نیست. او هم صورت را بسته است. هر دو نفرکمان که مظهر پیروزی است به دست دارند.[۳۷]

و خانم ایدت پرادا به نکات دیگری از این صحنه می‌پردازد و چنین می‌گوید: «این دو مرد لباس‌هایی چون پوشش مادی در نقوش برجستهٔ کاخ‌های هخامنشی درتخت‌جمشید بر تن

دارند که عبارتند از: نیم تنه، شلوار چسبان که احتمالاً از چرم بوده است، و یک کلاه روسری مانند با انتهای گره خورده، گذشته از آن، نقش طرف چپ‌یک کت بر تن دارد که احتمالاً از پوست ساخته شده است. پشم این پوستین به جز قسمت‌های به بیرون برگشته در داخل قرار دارد. آستین‌های باریک خالی در پهلوها به‌پایین آویزان هستند... هر یک از دو مرد کمان خود را با دست چپ گرفته و انتهای آن را بر نوک پای جلویی قرار داده است.[۳۸]

دخمهٔ دائو دختر

دخمه و یا آرامگاه دائو دختر واقع در کوهستان ناحیه ممسنی در کوه اوتزی در استان فارس، یکی از زیباترین دخمه‌ها به شمار می‌آید. این دخمه نظیر دخمه‌های هخامنشی می‌باشد به همین علت برخی از باستان‌شناسان آن را به دوره هخامنشیان منسوب می‌دارند، این دخمه در ارتفاع قریب ۳۰۰ متر واقع شده است و دارای چهارستون سنگی است، مدخل دخمه در وسط ستون‌ها قرار داد. بنا دارای کنگره‌های دندانه‌دار، مانند دوران هخامنشی می‌باشد.[۳۹] این دخمه در سنگ کوه تراشیده شده‌و مرکب از دو اطاق است. نمای آن از هر طرف دروازهٔ ورود، با دو نیم ستون، به سبک «دوران آخر پیش از ایونی» تزیین شده، پایهٔ این ستون‌ها مرکب از بالش ضخیمی‌است که روی دو سکو قرار گرفته، ساقهٔ ستون‌ها صاف است، و حمالهٔ سنگی روی ستون از هر طرف به مارپیچی منتهی می‌گردد.[۴۰]

و از خصائص مهم این دخمه وجود ستون‌های بزرگ حجاری شده و کنگره‌هائی است که در بالای آن تراشیده شده است. این قسم ساختمان مستلزم ترقیات زیادی درصنعت معماری است. و ستون‌های آن به سبک ستون‌های ایونی، و دو طرف سر ستون پیچ دارد. به قول هرتسفلد این قبر در حدود ۵۵۰ ۶۵۰ سال پیش از میلادحجاری شده است. در این زمان صنایع یونان تأثیر و نفوذی در صنایع ایران نداشته است. بلکه مشاهده می‌شود که صنایع ایران دارای خصائصی و نکات زیادی بوده که‌بعدها در صنایع و معماری اروپا ظاهر گردیده است.[۴۱]

خانم ایدت پرادا دربارهٔ نماسازی دخمه، می‌گوید: پیچک‌های نزدیک به هم و بزرگی دارد که سرستون‌های قرن پنجم پیش از میلاد یونانی را به یاد می‌آورند.[۴۲]

مرحوم مصطفوی، بنای دخمه را مربوط به قرن هفتم و یا ششم پیش از میلاد می‌داند و نماسازی دخمه را همانند دخمه‌های شاهان هخامنشی ذکر می‌کند.[۴۳]

رومان گیرشمن، آرامگاه دائو دختر واقع بین پاسارگاد و مسجد سلیمان را به یکی از شاهزادگان هخامنشی و احتمال می‌دهد که مربوط به کمبوجیه اول باشد.[۴۴] ولوئی واندنبرگ در این‌باره می‌گوید: احتمال دارد که «دآو دختر» آرامگاه یکی از نخستین پادشاهان ایران و حتی یکی از اجداد کوروش دوم، باشد. که در این صورت‌می‌توان آن را بین سال‌های ۶۴۰ ۵۶۰ پیش از میلاد قرار داد.[۴۵]

دخمهٔ اسحاق‌وند (سکاوند)

در ناحیه سکاوند (۱۵ کیلومتری غرب و جنوب شهر هرسین در کرمانشاه) سه گوردخمه در کنار یکدیگر از دوره ماد شناسایی شده است.[۴۶]

شکل این آرامگاه ساده است، گوردخمه سمت راست نسبت به دو دخمهٔ دیگر در سطح بالاتری حجاری شده است. «به علت سادگی این دخمه‌ها ممکن است تصور کرد که «استودان» بوده‌اند، همان‌طور که آقای لوئی واندنبرگ هم اینجا را یک استودان می‌داند، اما این استودان را از دیگر استودان‌ها به دلیل داشتن نقش برجسته متمایزمی‌دارد. و تصویر مردان نیایشگر را موبدانی می‌داند که با لباس ایرانی در اجرای مراسم هستند.»[۴۷] در بالای دخمه میانی نقش برجسته‌ای‌ست که از نظم هنری در آن‌مهارت زیاد نشان داده شده است. حالت شخصی که در این نقش مجسم شده، شبیه به حالت نیایش کنندگان لرستان است. شخص دیگری که طرف دیگر آتشدان است،ولی خیلی کوچک‌تر نشان داده شده، حالت استغاثه به خود گرفته است، و این نیز حالتی است که در میان مجسمه‌های کوچک لرستان زیاد دیده می‌شد.[۴۸] (از لحاظ‌جغرافیایی ناحیه سکاوند بین کرمانشاه و لرستان قرار دارد). بلندی قد نیایشگران ۱/۸۷ و ۷۹ سانتی‌متر است. حالت شخص کوتاه قد که دست‌ها را بلند کرده و از پشت‌سر میله‌ای گرفته است به‌گونه‌ای‌ست که می‌توان حدس زد که شاید او مجسمه و یا ظرفی را به عنوان نذری برای آتشگاه می‌برد.[۴۹]

اغلب باستان‌شناسان و مستشرقانی که در روشن کردن زوایای تاریک ماد کوشش به کار برده‌اند دخمه‌های اسحاق‌وند را متعلق به روزگار ماد دانسته‌اند.

البته با توجه به لباس شخص که در طرف چپ گور دخمه تصویر شده و مقایسهٔ آن با سایر تصاویر مادی به ویژه از نظر پوشاک مادی بودن این مقبره را قریب به یقین‌می‌نماید ولی تاریخی که آقای هرتسفلد برای آن پیشنهاد کرده است مورد تردید قرار داده و از نظر قدمت روی هم رفته یک قرن آن را به عقب می‌برد.[۵۰] اما آقای‌دیاکونف در خصوص تاریخ دخمه‌ها اشاره می‌کند به این که به نظر قدیمی‌ترین مقبره همان است که هرتسفلد متأخرش می‌داند، یعنی برای گذاشتن جنازه، نزدیک‌سکاوند و راجع به نقوش دخمه‌ها، اضافه می‌کند که این اشکال غیر متناسب و ناهنجارند، شیوهٔ کار و طرز نقر نقوش برجسته هنوز با نقوش برجسته لولوبیان و عیلامیان‌چندان تفاوتی ندارد.[۵۱] آقای هرتسفلد عقیده دارد که این استودان‌ها متعلق به سال ۵۲۱ پیش از میلاد و تصور می‌کند متعلق به گوماتای مغ است.[۵۲]

اما با توجه به این که در این نواحی چهار دخمه سنگی تشخیص داده شده‌اند، مسلماً سا دخمه اسحاق‌وند با داشتن تصویر مردی مادی و آتش مقدس، نمی‌توانند آرامگاه‌یک غاصب باشند، و گذشته از آن وضع لباس مرد مادی که در تصویر کاملاً به چشم می‌خورد ارتباط آن سا دخمه را به زمان مادی‌ها مسلم می‌دارد.[۵۳]

نتیجه:

قوم ماد در هزارهٔ اول پیش از میلاد در منطقه غرب ایران به حکومت رسیدند، در این دوره د هنرهای به ویژه معماری پیشرفت چشمگیری پدید می‌آید. این نوع معماری‌را در گوردخمه‌ه یا آرامگاه‌هایی که در سینه کوه و در صخره سنگ‌ها کنده شده‌اند، مشاهده می‌کنیم. با وجود این که این دخمه‌ها و یا آرامگاه‌ها را به دوران ماد نسبت‌می‌دهند اما به درستی و اطمینا تاریخ‌گذاری نگردیده‌اند و حتی بعضی از آنها را به دورهٔ بعد از ماد و هخامنشیان مربوه

می‌دانند.

برخی از باستان‌شناسان تصور کرده‌اند که این دخمه‌ها تقلیدی از آرامگاه‌های آسیای صغیر یا قوم اورارتوها بوده است، شاید این تصور درست باشد اما تمام عناصر مهمی‌که در آرامگاه‌های صلیبی شکل زمان هخامنشیان در تخت‌جمشید و نقش رستم به چشم می‌خورد، آغازش را در دوران ماد می‌بینیم.

در وصف نهایی نمای این دخمه‌ها قابل ذکر است، که نمای کلی دخمه‌ها از سنگ تراشیده شده، وجود ستون‌ها با سرستون‌هایی ایونی شکل، و نقوش برجسته در بعضی‌از این آثار یک نوع سایه و روشنی را به وجود آورده است که اینها همگی گویای نکات زیادی از عناصر هنری، و عقاید و باورها در این‌گونه معماری است که حاصل‌اندیشه و خواست هنرمندان خلاق این مرز و بوم به شمار می‌آیند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- سرفراز، علی‌اکبر. فیروزمندی، بهمن. مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی «ماد هخامنشی اشکانی ساسانی» تدوین حسینی محسنی، محمد جعفر سروقدی، جهاد دانشگاهی چاپ‌اول، تهران ۱۳۷۳. صص ۹۳ و ۹۴.

۲- قرائی مقدم، امان‌اله، معماری صخره‌ای، هنرنامه شماره ۴، تهران سال ۱۳۷۸، ص ۱۱۱.

۳- حاتم، غلامعلی. بیستون، نظاره‌گر سرافراز گذشت قرون، مجلهٔ گردش شمارهٔ ۱۶، نشریه ایران‌شناسان، ایرانگردان، جهانگردان، تهران، ص ۲۹.

۴- گیرشمن، رمان. هنر ایران «در دوران ماد و هخامنشی» ترجمهٔ عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۱، ص ۸۱.

۵- ولفرام، معماری اورارتو، ترجمهٔ غلامعلی همایون، مجلهٔ بررسی‌های تاریخی شمارهٔ سال ۴، ص ۱۰.

۶- گیرشمن، رمان. هنر ایران، پیشین، ص ۸۹.

۷- دیاکونوف، ا. م. تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ سوم تهران، ۱۳۷۱، ص ۳۷۴.

۸- نصیری انصاری، محمود. سیری در معماری ایران، هنر سرای عالی، تهران ۱۳۵۰، ص ۹.

۹- پرادا، ایدت. هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام) ترجمهٔ یوسف مجیدزاده، انتشارات دانشگاه تهران سال ۲۵۳۷، ص ۱۹۴.

۱۰- گیرشمن، رمان. هنر ایران، پیشین، ص ۸۷.

۱۱- تجویدی، اکبر. تداوم در معماری ایران، هنر و مردم شماره ۱۱۱ دورهٔ جدید، دی ماه ۱۳۵۰، ص ۲.

۱۲- سرفراز، علی‌اکبر. فیروزمندی، بهمن، پیشین، ص ۹۵.

۱۳- دیاکونوف، ا. م. تاریخ ماد، پیشین، ص ۳۷۴.

۱۴- مصطفوی، سیدمحمدتقی. نگاهی به هنر معماری ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۹.

۱۵- واندنبرگ، لوئی. باستان‌شناسی ایران باستان ترجمهٔ عیسی بهنام. دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۱۷.

۱۶- سرفراز، علی‌اکبر. فیروزمندی، بهمن، پیشین، صص ۹۹ و ۱۰۰.

۱۷- سرفراز، علی‌اکبر، فیروزمندی، بهمن. پیشین، ص ۹۸.

۱۸- زمانی، عباس، مقرنس تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران، هنر و مردم دورهٔ جدید شماره ۱۰۲ و ۱۰۳، ۱۳۵۰، ص ۱۴.

۱۹- عطایی، شاپور، گوردخمه‌های کرمانشاه، سازمان میراث فرهنگی، معاونت معرفی و آموزش، ۱۳۷۹، ص ۲۳.

۲۰- برسم دسته ترکه‌هایی از چوب است، که در تشریفات مذهبی به کار برده می‌شد.

۲۱- واندنبرگ لوئی، پیشین، ص ۱۰۲.

۲۲- کرمانشاهان باستان، استانداری کرمانشاه، چاپ فرهنگ و هنر، ۱۳۴۷، ص ۲۴.

۲۳- عطایی، شاپور، پیشین، ص ۲۳.

۲۴- دیاکونف، پیشین، ص ۳۷۵.

۲۵- کرمانشاهان باستان، پیشین، ص ۲۴.

۲۶- عطایی، شاپور، پیشین، ص ۲۱.

۲۷- واندنبرگ، لوئی، پیشین، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲۸- دیاکونف، ا. م. پیشین، ص ۳۷۴.
۲۹- مصطفوی، سیدمحمدتقی. پیشین، ص ۲۰.
۳۰- پرادا، ایدت، پیشین، ص ۱۹۳.
۳۱- دیاکونف، ا. م. پیشین، ص ۳۷۵.
۳۲- پرادا، ایدت، پیشین، ص ۱۹۳.
۳۳- سکاها از نژاد ایرانی و جنگجویان متهوری بودند که در خدمت آشوری‌ها و مادها در آمدند. (گیرشمن ص ۳۹۲)
۳۴- دیاکونوف، ا. م. پیشین، ص ۳۷۵.
۳۵- گیرشمن، رمان. پیشین، ص ۸۸.
۳۶- گیرشمن، رمان. پیشین، ص ۸۹.
۳۷- دیاکونف، ا. م. پیشین، ص ۳۷۵.
۳۸- پرادا، ایدت. پیشین، ص ۱۹۳.
۳۹- مشکوتی، نصرت‌الله. فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، اولین نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تهران ۱۳۴۹، ص ۱۴۳.
۴۰- واندنبرگ، لوئی. باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمهٔ عیسی بهنام، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ص ۵۹.
۴۱- ویلسن، کریستی. صص ۵۵ و ۵۶.
۴۲- پرادا، ایدت، پیشین. ص ۱۹۳.
۴۳- مصطفوی، سیدمحمد، پیشین، ص ۲۱.
۴۴- گیرشمن رمان، پیشین، ص ۱۳۲.
۴۵- واندنبرگ، لوئی، پیشین. ص ۵۹.
۴۶- سرفراز، علی‌اکبر. فیروزمندی، بهمن. پیشین، ص ۹۶.
۴۷- واندنبرگ، لوئی، پیشین. ص ۱۰۴.
۴۸- گیرشمن، رمان، پیشین. ص ۸۹.
۴۹- گلزاری، کرمانشاهان باستان، ص ۲۵.
۵۰- سرفراز، علی‌اکبر، فیروزمندی، بهمن، پیشین، ص ۹۷.
۵۱- دیاکونف، ا. م. پیشین، ص ۳۷۴.
۵۲- واندنبرگ، لوئی، پیشین، ص ۱۰۴.
۵۳- گلزاری، کرمانشاهان. پیشین، ۲۸.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

منابع و مآخذ:

۱- پرادا، ایدت. **هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)** ترجمهٔ یوسف مجیدزاده، انتشارات دانشگاه تهران سال ۲۵۳۷.
۲- تجویدی، اکبر. **تداوم در معماری ایران، هنر و مردم**، شماره ۱۱۱ دورهٔ جدید دی‌ماه سال ۱۳۵۰.
۳- حاتم، غلامعلی. بیستون، نظاره‌گر سرافراز گذشت قرون، **مجلهٔ گردش** شمارهٔ ۱۶، نشریه ایران‌شناسان، ایرانگردان، جهانگردان، تهران.
۴- دیاکونف، ا. م. **تاریخ ماد**، ترجمهٔ کریم کشاورز، چاپ سوم تهران، سال ۱۳۷۱.
۵- زمانی، عباس، **مقرنس تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران**، هنر و مردم دورهٔ جدید شمارهٔ ۱۰۲ و ۱۰۳، سال ۱۳۵۰.
۶- سرفراز، علی‌اکبر. فیروزمندی، بهمن. **مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی «ماد هخامنشی اشکانی ساسانی»** تدوین حسینی محسنی، محمد جعفر سروقدی، جهاد دانشگاهی چاپ‌اول، تهران، سال ۱۳۷۳.
۷- عطایی، شاپور. **گوردخمه‌های کرمانشاه**، سازمان میراث فرهنگی، معاونت معرفی و آموزش سال ۱۳۷۹.
۸- قرائی مقدم، امان‌اله، **معماری صخره‌ای**، هنرنامه شماره ۴ تهران، سال ۱۳۷۸.
۹- کرمانشاهان باستان، استانداری کرمانشاه، چاپ فرهنگ و هنر، سال ۱۳۴۷.
۱۰- گیرشمن، رمان. هنر ایران، در دوران ماد و هخامنشی، ترجمهٔ عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، سال ۱۳۷۱.
۱۱- مشکوتی، نصرت‌الله. **فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی**، اولین نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، اسفندنامه، ۱۳۴۹.
۱۲- مصطفوی، سیدمحمدتقی. **نگاهی به هنر معماری ایران**، تهران سال ۱۳۴۶.
۱۳- نصیری انصاری، محمود. **سیری در معماری ایران**، هنرسرای عالی، تهران سال ۱۳۵۰.
۱۴- ولفرام، معماری اورارتو، ترجمهٔ غلامعلی همایون، **مجلهٔ بررسی‌های تاریخی** شمارهٔ ۴ سال ۴.
۱۵- واندنبرگ، لوئی. **باستان‌شناسی ایران باستان**، ترجمهٔ عیسی بهنام. دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۵.